

مشاهده الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی با کودک

Observing Iranian Mother-Child Interaction in a Playing Situation

H. Zare, M.Sc.

✉ حمیده زارع

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

K. Tahmassiyan, Ph.D.

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Sh. Pakdaman, Ph.D.

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

N. Davari Ardakani, Ph.D.

دکتر نگار داوری اردکانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

T. Rahimi, B.S.

طاهره رحیمی

کارشناسی روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۱/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۱۲

Abstract

Extensive studies in the fields of culture and parenting in recent years have shown that parent's goals and values of parenting lead to differences in their parental behaviors. This study was designed to observe Iranian mothers' interaction with their children in a playing situation. This study was a qualitative study in which 30 pairs of mothers and children (15 girls and 15 boys) were selected purposely.

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Faculty of Education & Psychology, Family Research Institute.
Tel: +98-09124069552
Email: Hamide.zare67@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده در زمینه فرهنگ و والدگری نشان داده که اهداف و ارزش‌های فرزندپروری والدین منجر به تفاوت‌هایی در رفتارهای والدگری آن‌ها خواهد شد. پژوهش حاضر با هدف مشاهده الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی طراحی شد. پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و ۳۰ زوج مادر و کودک (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) به صورت هدفمند انتخاب شدند.

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۹۱۲۴۰۶۹۵۵۲

پست الکترونیکی: Hamide.zare67@gmail.com

To observe the parent-child interaction, a playing situation was designed and recorded by video camera. Observational data were analyzed based on qualitative analysis methods. Through coding and categorizing the observed data of the parent-child interaction, verbal (positive, negative and facilitator) and nonverbal (positive, negative and communicative) behavioral patterns were extracted and named by the investigator. Based on scoring the determined codes, facilitator verbal behaviors and negative nonverbal behaviors were the most frequent. The mothers' behavior that facilitated child's playing process and diminished child's practical and mental activities were named facilitator behaviors, and were the most frequent among Iranian mothers. Based on the same previous research, Iranian mothers' parenting behaviors are similar to those of Japanese, Chinese and Latin mothers rather than American, British and Australian mothers.

Keywords: Parenting, Interaction pattern, Iranian Mothers.

برای مشاهده تعامل مادر - کودک، یک موقعیت بازی طراحی و توسط دوربین فیلم برداری ثبت شد. داده‌های مشاهده‌ای بر اساس روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های مشاهده‌ای، الگوهای رفتاری کلامی (مثبت، منفی و تسهیل‌گرانه) و غیرکلامی (مثبت، منفی و ارتباطی) در تعامل والد-کودک استخراج، و توسط پژوهشگر نام‌گذاری شدند. بر اساس نمره‌گذاری کدهای مشخص شده، رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه و رفتارهای غیرکلامی منفی بیشترین فراوانی را داشتند. مجموعه رفتارهای مادران که جریان بازی را برای کودک تسهیل و از فعالیت عملی و ذهنی او می‌کاهد رفتارهای تسهیل‌گرانه نام‌گذاری شدند، که این رفتارها بیشترین فراوانی را در میان مادران ایرانی داشتند. بر اساس پژوهش‌های مشابه انجام شده، رفتار والدگری مادران ایرانی به فرهنگ‌های ژاپنی، چینی و لاتینی شباهت بیشتری نسبت به مادران آمریکایی، بریتانیایی و استرالیایی داشت.

کلیدواژه‌ها: والدگری، الگوی تعامل، مادران ایرانی.

تأثیر آموزش آگاهی سیال به مادران بر بهبود روابط والد - فرزند با همایندی خودکارآمدی در فرزندان*

Effect of Training Mindfulness to Mothers on Improving Parent-Child Relationship with Subsequent Self-Efficacy in Children

M. Riahi, M.A.

موسی ریاحی ✉

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

M. Esmaeily, Ph.D.

دکتر معصومه اسمعیلی

دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

S. Kazemian, Ph.D.

دکتر سمیه کاظمیان

استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۵/۱/۱۷

پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۲۳

Abstract

The present study aimed to investigate the effects of training mindfulness to mothers on improving parent-child relationship with subsequent self-efficacy in children. The statistical population of this research comprised of all first grade high school students with their mothers in the academic year of 1393-1394 in Baharestan town. Through cluster sampling method and interview, 24 students with their mothers

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تأثیر آموزش آگاهی سیال به مادران بر بهبود روابط والد - فرزند با همایندی خودکارآمدی در فرزندان انجام شد. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان سال اول مقطع متوسطه شهرستان بهارستان در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ به همراه مادران‌شان تشکیل می‌دادند. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای همراه با مصاحبه، تعداد ۲۴ نفر از دانش‌آموزان به همراه مادران‌شان به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی (ره) تهران است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

پست الکترونیکی: Mousariahi@gmail.com

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Allameh Tabataba'i University, Faculty of Psychology & Education, Department of Family Counselling.
Email: Mousariahi@gmail.com

selected as the research subjects and randomly divided to two groups of experimental (12) and control (12) groups. The questionnaire of parent-child conflicts of Straus (2002) (mother and child forms) and general self-efficacy questionnaire of Sherer et al (1982) were used. Mindfulness training on mothers of the experimental group conducted for eight 120-minutes weekly sessions. This study was designed as pretest-posttest with control group and followed up in 90 days. Data were analyzed through Covariance and variance analysis. The results showed that mindfulness training to the mothers improved parent-child relationships and its aspects (increasing reasoning skills and decreasing verbal and physical aggression) between mothers and sons. Also it was demonstrated that relationship improvement due to mindfulness training increased children's self-efficacy.

Keywords: Mindfulness, Parent-Child Relationship, Self-Efficacy.

به طور تصادفی به دو گروه (۱۲ نفره) آزمایشی و گواه تقسیم شدند. ابزار این پژوهش پرسش‌نامه‌های تعارضات والد - فرزند اشتراوس (۲۰۰۲) (فرم مادر و فرم فرزند) و خودکارآمدی عمومی شرر و همکاران (۱۹۸۲) بود. آموزش آگاهی سیال روی مادران گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه هفتگی ۱۲۰ دقیقه‌ای اجرا شد. در این تحقیق از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری ۹۰ روزه استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق آزمون تحلیل کواریانس و تحلیل واریانس صورت گرفت. نتایج نشان داد که آموزش آگاهی سیال به مادران موجب بهبود روابط والد - فرزند و ابعاد آن (افزایش مهارت استدلال و کاهش پرخاشگری کلامی و فیزیکی) بین مادران و پسران می‌گردد. همچنین نتایج نشان داد که بهبود روابطی که نتیجه آموزش آگاهی سیال بود خودکارآمدی فرزندان را افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: آگاهی سیال، روابط والد - فرزند، خودکارآمدی.



تأثیر مداخله بهنگام خانواده محور مبتنی بر بازی درمانی بومی سازی شده
بر نشانه‌های بالینی کودکان ADHD پیش دبستانی

**Effect of Family Oriented Early Intervention Based on Localized
Play Therapy on the Clinical Symptoms of Preschool Children
with ADHD**

S. Rahimi Pordanjani, Ph.D. student

سعید رحیمی پردنجانی ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران

B. Ghobari Bonab, Ph.D.

دکتر باقر غباری بناب

دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

G. A. Afrooz, Ph.D.

دکتر غلامعلی افروز

استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

S. Faramarzi, Ph.D.

دکتر سالار فرامرزی

دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۹۴/۵/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۳

Abstract

Current study was aimed to investigate the effect of localized play therapy on reducing symptoms of attention deficiency and hyper activity/impulsivity in preschool children with ADHD. The method of this study was an applied semi-experimental study designed as pretest-posttest with control group.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی بازی‌درمانی بومی سازی شده بر کاهش شدت نشانه‌های کاستی توجه و فزون کنشی/تکانش‌گری کودکان ADHD در دوره پیش‌دبستان انجام شد. روش پژوهش کاربردی و آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون همراه گروه گواه بود. به همین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای در دسترس، تعداد

*مقاله برگرفته از رساله دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی است.

✉ نویسنده مسئول: گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران
پست‌الکترونیکی: Bghobari@ut.ac.ir

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, University of Tehran, Faculty of Psychology & Education.
Email: Bghobari@ut.ac.ir

Twenty four mothers with ADHD children were selected through multi-stage sampling and randomly arranged in experimental or control groups. The experimental group participated in a 10 sessions Localized Play Therapy (LPT) intervention program, while the control group was on the waiting list. Assessment tools were the Vanderbilt ADHD Teacher Rating Scale (Wolraich, et al., 1997) and a semiorganized clinical interview. Data were analyzed by using a repeated measure analysis of variance. The results showed that there were significant differences between the control and experimental groups in attention deficiency and hyper activity/impulsivity scores of pre-test and post-test. In conclusion, it can be indicated that family oriented early intervention based on LPT is effective in reducing clinical symptoms of preschool children with ADHD. Therefore, this method can be considered as an effective therapeutic method for ADHD children by experts and parents

Keyword: Play Therapy, Impulsivity, Hyperactivity.

۲۴ نفر از مادران کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلال ADHD انتخاب شدند و به شکل تصادفی در دو گروه آزمایشی و گواه قرار گرفتند. گروه آزمایشی در ۱۰ جلسه بازی‌درمانی بومی‌سازی (LPT) شده شرکت داده شده و گروه گواه بدون دریافت آموزش در نوبت انتظار قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه ADHD وندربیلت - فرم والد (ول ریچ و همکاران، ۱۹۹۷) و مصاحبه بالینی نیمه ساختار یافته بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل آماری تحلیل واریانس اندازه‌گیری‌های مکرر استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات کاستی توجه و فزون‌کنشی/تکانش‌گری گروه آزمایشی و گواه در مرحله پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود داشت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مداخلات خانواده محور مبتنی بر بازی‌درمانی بومی‌سازی شده بر نشانه‌های توجه و فزون‌کنشی/تکانش‌گری کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلال ADHD تأثیر دارد. دستاورد چنین پژوهشی می‌تواند به عنوان یک روش درمانی در اختیار متخصصان و والدین کودکان دارای ADHD قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: بازی‌درمانی، تکانش‌گری، فزون‌کنشی.

مقایسه مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی
در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی

Comparison of Social Skills, Mental Health and Academic
Performance in Children with Divorced, Divorcing and Intact
Parents

H. Ghamari Givi, Ph.D.

دکتر حسین قمری گیوی ✉

استاد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

B. Khoshnoodniay Chomachaei, M.A.

بهنام خشنودنیای چماچایی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

دریافت مقاله: ۹۲/۸/۴

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۳۰

Abstract

The aim of this study was to compare social skills, mental health and academic performance in children with divorced, divorcing and intact parents. The study sample included 481 children with divorced parents and 419 children with divorcing parents, who were matched to 500 children with normal parents. The participants responded to the Matson's Social Skills Scale and Goldenberg's Mental Health Questionnaire.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی صورت گرفت. نمونه پژوهش ۴۸۱ نفر از فرزندان دارای والدین مطلقه و ۴۱۹ نفر از فرزندان با والدین متقاضی طلاق بودند که با ۵۰۰ نفر از فرزندان با والدین عادی هم‌تا شدند. آزمودنی‌ها به پرسش‌نامه‌های مهارت‌های اجتماعی ماتسون و سلامت روانی گلدنبرگ پاسخ دادند و برای عملکرد تحصیلی نیز از معدل مندرج در پرونده تحصیلی استفاده شد.

✉Corresponding author: Ardebil, University of Mohaghegh Ardebili, Faculty of Educational Sciences and psychology.
Tel: +98-09144511171
Email: h_ghamarigivi@uma.ac.ir

✉نویسنده مسئول: اردبیل، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۴۴۵۱۱۱۷۱
پست الکترونیکی: h_ghamarigivi@uma.ac.ir

To assess the academic performance GPA was used. The data were analyzed by multivariate analysis of variance (MANOVA) and Scheffe post hoc test. The Findings showed that children with divorced and divorcing parents had more average scores of the components of physical symptoms, anxiety, social dysfunction, depression and general mental disorder than those of children with normal parents. Also children with divorcing parents had more scores in components of social dysfunction, depression and general mental disorder than children with divorced parents had. Social skills scores and academic performance in children with normal parents were higher than those of divorced parents' children and children with divorced parents had higher scores than children with divorcing parents. Hence, due to the harm and the consequences of divorce on children, strategies for minimalizing these consequences should be planned.

Keywords: Social skills, Mental Health, Academic Performance, Divorce, Divorcing.

داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون تعقیبی شفه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد نمرات جسمانی‌سازی علائم، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی، افسردگی و اختلال روانی کلی به طور معناداری در فرزندان با والدین مطلقه و متقاضی طلاق بیشتر از فرزندان با والدین عادی بوده و مؤلفه‌های اختلال در عملکرد اجتماعی، افسردگی و اختلال روانی کلی در فرزندان با والدین متقاضی طلاق بیشتر از فرزندان با والدین مطلقه است. نمرات عملکرد تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی در فرزندان عادی بیش از فرزندان والدین مطلقه و فرزندان والدین مطلقه بیشتر از فرزندان والدین متقاضی طلاق می‌باشد. بنابراین با توجه به آسیب‌ها و پیامدهای طلاق بر فرزندان، باید تدابیر لازم برای به حداقل رساندن این آسیب‌ها را به کار برد.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های اجتماعی، سلامت روانی، عملکرد تحصیلی، طلاق، متقاضی طلاق.

واکاوی تنبیه بدنی کودکان در خانواده با تکیه بر تحلیل معنایی
روایات «ضرب»

**Analysis of Corporal Punishment of Children in the Family based
on the Semantic Reading of Traditional Islamic Narratives
including the Word “Dharb” [Hitting]**

H. R. Basiri, Ph.D.

دکتر حمیدرضا بصیری

استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

Z. Besharati, Ph.D. student

زهرا بشارتی ✉

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۲/۸

پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۱۸

Abstract

There are various traditional Islamic narratives in relation to treating children. The common understanding of these narratives allows for the corporal punishment of children in the family, although some narratives forbid parents from such behavior. With reference to traditional Islamic texts, the word “hitting” (Arabic: *dharb*) is the main and most frequently used word implying the permissibility of corporal punishment.

چکیده

روایات گوناگونی در حوزه رفتار با کودکان در دست هست که فهم رایج از آنها بر جواز تنبیه بدنی کودک در خانواده دلالت دارد. هرچند برخی روایات نیز والدین را از چنین رفتاری منع کرده‌اند. با تأمل در متن روایات مذکور، "ضرب" را باید اصلی‌ترین و پرکاربردترین کلمه‌ای دانست که معنای زدن از آن برداشت شده است. عنایت به موارد استعمال واژه "ضرب" در قرآن، روایات و زبان عرب، مصادیق مختلفی از معنای عام "وقوع هر عمل" را برای واژه "ضرب" مکشوف می‌سازد که می‌توان از آن به

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Allameh Ta-bataba'i University, Qoran Science & Tradition.
Tel: +98-09127142097
Email: mrs.besharati@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، پل مدیریت، خیابان علامه جنوبی،
دانشگاه علامه طباطبایی
تلفن: ۰۹۱۲۷۱۴۲۰۹۷
پست الکترونیکی: mrs.besharati@yahoo.com

An investigation of the use of the term “dharb” (Arabic: ضرب) in the Quran, traditional Islamic narratives and the Arabic language reveals different instances of a general sense of “occurrence” which can denote “doing or carrying out”. On this basis, a wide range of usages for this word in absolute terms (without preposition) is conceivable with the meanings of protecting, financially supporting, guiding and nurturing children. It seems that limiting the meaning of dharb to corporal punishment in all traditional Islamic narratives without considering the other meanings has led to incorrect interpretations of such narratives.

Keywords: Hitting, Children, Traditional Islamic Narratives, Corporal Punishment, Disciplining, Method.

"اقدام کردن و انجام دادن هر عمل" تعبیر کرد. بر این پایه در طیف گسترده‌ای از کاربردهای مطلق این واژه (بدون حرف اضافه) معانی سرپرستی، اقدام مالی، ارشاد و پرورش برای کودکان محتمل است. لذا به نظر می‌رسد انحصار معنای تنبیه بدنی برای "ضرب" در تمامی روایات ضرب کودکان، بدون نظرداشت معانی مذکور، زمینه‌ساز برداشت نادرست از این روایات شده است.

کلیدواژه‌ها: ضرب، کودکان، روایات، تنبیه بدنی، تأدیب، سیاق

سن و رضایت به ازدواج از منظر نظام بین‌المللی حقوق بشر

Age and Consent to Marriage in the Light of International Human Rights Law

M. Ghadiri, Ph.D.

دکتر ماهرو غدیری ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۳
دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۴/۹/۲۰
پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰

Abstract

Marriage is the starting point of founding a family in most societies, especially in traditional ones. This right has been mentioned in the Covenant on Civil and Political Rights and the Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, which is indicative of the indivisibility and inseparability of all human rights. One of the most important subjects in the formation of a marriage is that of marital age and consent to marriage, which is an international concern and international human rights law has addressed it.

چکیده

ازدواج در اغلب جوامع امروزی، و به‌ویژه در جوامع سنتی، نقطه آغاز زوجیت و خانواده است که با تولد فرزند کامل می‌شود. این حق هم در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد اشاره قرار گرفته که این خود حاکی از انفکاک‌ناپذیری حقوق بشر است. ازدواج کودکان به دلیل شیوع و آثار غیرقابل جبرانی که بر وضعیت آنان و به‌ویژه کودکان دختر دارد یکی از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر اهمیت تعیین حداقل سن ازدواج و ارتباط آن با رضایت به ازدواج به آن پرداخته شده است.

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Family Research Institute.
Fax: +98-02129902368
Email: m_ghadiri@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۲۹۹۰۲۳۶۴
پست الکترونیکی: m_ghadiri@sbu.ac.ir

Early marriage and any marriage performed without valid consent, have a negative impact on the individual, the family, and society. These pose an especially serious threat to the physical and psychological health of girls who are not physically mature enough as it "increases the risk of unintended pregnancy, maternal and newborn mortality and sexually transmitted infections." This paper analyses the human rights dimensions of child marriage in detail with a look at the Iranian legal system's approach to the issue.

Keywords: Right to Marry and Found a Family, Principle of Nondiscrimination, Child Marriage, Early and Forced Marriage, Iranian Civil Law.

به موجب این اسناد کشورهای عضو ملزم به تعیین حداقل سن برای ازدواج هستند که این سن باید به گونه‌ای تعیین گردد که رضایت شخص به ازدواج بتواند معتبر تلقی شود. البته صرف تعیین این سن و جرم‌انگاری ازدواج زودهنگام و اجباری بدون پرداختن به ریشه‌های آن نه تنها این معضل را حل نمی‌کند بلکه می‌تواند سایر حقوق فرد را تحت‌الشعاع قرار دهد. در این مقاله با مروری بر این اسناد و نظریات تفسیری علاوه بر مشخص نمودن جزئیات آن‌ها به وضعیت نظام حقوقی ایران در این خصوص اشاره و پیشنهادهای ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حق ازدواج و تشکیل خانواده، اصل منع تبعیض، ازدواج کودکان، ازدواج زودهنگام و اجباری، قانون مدنی ایران

خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سنجش رابطه بین زوجین

Psychometric Properties of the Persian Version of the Relationship Assessment Scale among Couples

G. R. Dehshiri, Ph.D.

دکتر غلامرضا دهشیری ✉

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء(س)

S. F. Mousavi, Ph.D.

دکتر سیده فاطمه موسوی

استادیار روان‌شناسی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء(س)

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۰/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۲/۳

Abstract

This research administrated to evaluate the psychometric properties of the Persian version of Relationship Assessment scale. Therefore, 315 married individuals (199 women and 116 men) from Tehran city were volunteered to respond to four scales: the Relationship Assessment, the Kansas Marital Satisfaction, the Oxford Happiness and the Life Satisfaction. Results from exploratory & confirmatory factor analysis showed that factor structure of Relationship Assessment scale was unidimensional.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی خصوصیات روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سنجش رابطه انجام شد. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۳۱۵ نفر (۱۱۶ مرد و ۱۹۹ زن) از افراد متاهل ساکن شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند که به مقیاس‌های سنجش رابطه، رضایت زناشویی کانزاس، رضایت از زندگی و پرسشنامه شادکامی آکسفورد پاسخ دادند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که ساختار عاملی مقیاس سنجش رابطه تک عاملی است. همسانی درونی مقیاس در کل نمونه برابر با ۰/۸۸ بود.

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Vanak Village Street, Alzahra University, Faculty of Education and Psychology.
Tel: +98-09124224362
Email: dehshiri_ghr@alzahra.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: خیابان ده‌ونگ، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۲۴۲۲۴۳۶۲
پست الکترونیکی: dehshiri_ghr@alzahra.ac.ir

The internal consistency of the scale in the total sample was 0.88. Significant correlations between scores of the Relationship Assessment scale with the scores of the Kansas Marital Satisfaction Scale, the Life Satisfaction Scale and the Oxford Happiness Questionnaire demonstrated good convergent validity of the scale. Also, the results showed that there was no significant gender difference between the mean scores of relationship satisfaction. In conclusion, the Relationship Assessment scale is a valid and reliable tool to measure marital satisfaction in Iran.

Keywords: Marital satisfaction, Psychometric, Reliability, Validity.

همبستگی معنادار بین نمرات مقیاس سنجش رابطه با نمرات مقیاس رضایت زناشویی کانزاس، رضایت از زندگی و شادکامی آکسفورد بیانگر روایی همگرایی مناسب مقیاس بود. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین میانگین نمرات رضایت رابطه مردان و زنان تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج نشان داد که این مقیاس، ابزاری معتبر و روا در اندازه‌گیری رضایت زناشویی است.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، روان‌سنجی، پایایی، روایی.

.....

رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلال عملکرد جنسی

Relationships between Attachment Styles and Early Maladaptive Schemas with Sexual Dysfunction

F. Sadeghi Bidmeshki, M.Sc.

فرزانه صادقی بیدمشکی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

M. Mir Hashemi, Ph.D.

دکتر مالک میرهاشمی

دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۲/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۵/۱/۲۹

Abstract

The present research was aimed to investigate the relationship between attachment styles and early maladaptive schemas with sexual dysfunction. The method of this study was designed as non-experimental correlation type. From the statistical population of married female students of Islamic Azad University, Roudehen branch in 2013, 125 students were selected based on multistage random sampling and targeted method.

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با اختلال عملکرد جنسی بود. روش تحقیق بر مبنای مفروضه تحقیقات غیرآزمایشی از نوع همبستگی بود. از جامعه دانشجویان زن متأهل شاغل به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال ۱۳۹۲ براساس نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای و هدفمند ۱۲۵ نفر انتخاب شدند. اطلاعات لازم از طریق اجرای سه پرسشنامه سبک دلبستگی هازن و شیور،

Corresponding author: Iran, Roudehen, Islamic Azad University, Roudehen Branch, Department of Psychology.

Fax: +98-09127399912

Email: mirhashemi@riau.ac.ir

نویسنده مسئول: گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

تلفن تماس: ۰۹۱۲۷۳۹۹۹۱۲

پست الکترونیکی: mirhashemi@riau.ac.ir

Data were collected using the Hazan & Shaver's Adult Attachment Questionnaire, the Young's Schema Questionnaire-Brief Form and the Sexual Function Questionnaire (SFQ). The results indicated that there were significant correlations between the two variables of detachment and rejection and avoiding attachment style with sexual function. Thus, it can be told that the quality of early attachment and early maladaptive schemas can be correlated with sexual healthy function or dysfunction and later social relationships with peers and adults.

Keywords: Attachment Styles, Early Maladaptive Schemas, Sexual Dysfunction.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه یانگ (فرم کوتاه) و پرسشنامه ارزیابی عملکرد جنسی جمع آوری شد. یافته‌های این مطالعه مبنی بر وجود همبستگی معنادار بین دو متغیر بریدگی و طرد و سبک دلبستگی اجتنابی با متغیر عملکرد جنسی می‌باشد. در نتیجه، می‌توان گفت فرضیه تحقیق به این صورت پذیرفته می‌شود که کیفیت دلبستگی اولیه و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه می‌تواند با سلامت یا اختلال در عملکرد جنسی و روابط اجتماعی بعدی فرد با همسالان و بزرگسالان در ارتباط باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، عملکرد جنسی.